

دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان شناسی و زبان های خارجی

عنوان پایان نامه :

بررسی کمی و کیفی سیر ورود واژه های قرضی اروپایی به زبان فارسی با

نگاه به دوره پیش و پس از انقلاب اسلامی

پایان نامه :

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان شناسی همگانی

مؤلف

رضا حدادها

استاد راهنما

دکتر نگار داوری اردکانی

استاد مشاور

دکتر بلقیس روشن

ماه و سال انتشار

اردیبهشت ۸۹

۱۳۸۹/۷/۱۰

مدرسه عالی زبان
پایان

۱۴۳۱۵۹

۲۰۲۱



شماره:
تاریخ:
پیوست:

تصویب نامه

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبانشناسی همگانی تحت
عنوان:

" بررسی کمی و کیفی سیر ورود واژه های قرظی اروپایی
به زبان فارسی با نگاه تطبیقی به دو دوره پیش و پس از
انقلاب اسلامی "


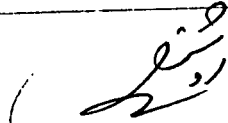
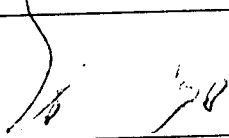
ساعت: ۱۵-۱۳/۳۰

تاریخ دفاع: ۸۹/۲/۲۹

درجه ارزشیابی: عالی

نمره: ۱۸/۵

هیات داوران:

امضاء	مرتبه علمی	نام و نام خانوادگی	داوران
	استاد ديار	خانم دکتر نگار داوری اردکاتی	استاد راهنما
	استاد ديار	خانم دکتر بلقیس روشن	استاد مشاور
	✓	آقای دکتر مهدی سمانی	استاد داور
			نماینده تحصیلات تکمیلی

تقدیم به :

تقدیم به همسر، فرزندانم کامیار و کتیون و به روح پدر و مادر عزیزم.

تقدیر و تشکر :

اکنون که این نوشته به پایان رسیده بر خود لازم و فرض می دانم از تمامی کسانی که به گونه ای در به ثمر رسیدن آن نقش داشته اند سپاسگزاری کنم .

نخست باید از راهنمایی ها ، دیدگاهها و آموزه های استاد ارجمند سرکار خانم دکتر داوری اردکانی ، استاد راهنمای بنده در این پایان نامه صمیمانه تشکر و قدردانی کنم چرا که اگر نظرات و کمک های ارزنده ایشان نبود انجام این کار نمی توانست به سرانجام برسد . ایشان با معرفی منابع گوناگونی و در اختیار گزاردن برخی از آنها افق تازه ای در زمینه پژوهش علمی به روی بنده گشود و روش تحقیق را به بنده آموخت .

همچنین باید از سرکار خانم روشن ، مدیر گروه زبان شناسی دانشگاه پیام نور ، استاد مشاور در این پژوهش که راهنمایی های دلسوزانه ایشان نیز در تهیه و تدوین این پایان نامه نقش به سزایی را به عهده داشت سپاسگزاری نمایم .

در اینجا لازم می دانم از آقای باقر پسندی کارشناسی گروه زبان شناسی و زبان های خارجه دانشگاه پیام نور که راهنمایی لازم را در امر تدوین پایان نامه انجام داده اند صمیمانه تشکر کنم .

دست آخر از همسر مریم ، سپاسگزاری می کنم که خردمندی و عاطفه اش به زندگی من غنا بخشیده است . بخشی از کار پژوهش در زمینه گردآوری واژه های قرضی را او انجام داده است .

اگر در این پایان نامه مزایایی مترتب است، تمامی افراد نام برده به ویژه استادان گرامی را در آن سهم می دانم ، لیکن شخصاً مسئولیت مطالب و نقص های آن را می پذیرم .

فهرست :

صفحه	عنوان
۱	فصل اول: کلیات
۲	۱-۱ مقدمه
۴	۲-۱ بیان مسئله
۴	۳-۱ پرسشهای پژوهش
۴	۴-۱ فرضیه ها
۵	۵-۱ ضرورت انجام تحقیق
۵	۶-۱ روش تحقیق
۵	۷-۱ تعریف واژه های کلیدی
۶	فصل دوم: مروری بر مطالعات پیشین
۷	۱-۲ وضعیت اجتماعی سیاسی ایران پیش از انقلاب اسلامی
۱۱	۲-۲ وضعیت اجتماعی سیاسی ایران پس از انقلاب اسلامی
۱۵	۳-۲ مروری بر پیشینه مطالعات قرض گیری و روند آن
۱۵	۱-۳-۲ نگرش غربی ها نسبت به قرض گیری واژگانی
۲۳	۲-۳-۲ آراء ایرانیان درباره قرض گیری واژگانی
۳۲	۴-۲ مروری بر نگرش های فرهنگستان زبان در خصوص واژه سازی
۳۵	فصل سوم: مباحث نظری
۳۶	۱-۳ ویژگی و حوادث و تحولات مهم اجتماعی- سیاسی
۳۷	۲-۳ مبنای نظری پژوهش در بررسی قرض گیری
۳۸	۳-۳ عصاره و چکیده آراء درباره قرض گیری واژگانی
۴۰	۴-۳ ویژگی های آوایی واژه ها در زبان قرض دهنده و قرض گیرنده
۴۳	فصل چهارم: بحث و تحلیل داده ها
۴۴	۱-۴ گردآوری داده ها
۴۵	۲-۴ فهرست و تحلیل واژگان قرضی استخراج شده از مجلات دانشمند در دهه ۵۰

۵۶ ۳-۴ فهرست و تحلیل واژگان قرضی استخراج شده از مجلات دانشمند در دهه ۶۰
۶۷ ۴-۴ فهرست و تحلیل واژگان قرضی استخراج شده از مجلات دانشمند در دهه ۷۰
۸۰ فصل پنجم: خلاصه و نتیجه گیری
۸۱ ۱-۵ نتایج
۸۲ ۲-۵ تأیید یا رد فرضیه ها
۸۵ الف - منابع فارسی
۸۷ ب - منابع انگلیسی
۸۷ ج - اینترنتی
۸۸ پیوست
۹۰ چکیده انگلیسی

چکیده فارسی

هدف از این مطالعه ارائه یک بررسی محدود از گسترش ورود واژه های قرضی از زبان های اروپایی به زبان فارسی است. با توجه به اینکه قرض گیری در زبان یک نظام زبانی در نظر گرفته می شود با گسترش واژه های قرضی به زبان فارسی و تأثیر آن از تحولات اجتماعی و تاریخی، پرسش های زیر مطرح گردید: از دهه ۵۰ تاکنون در هر دهه چه واژگانی با چه کیفیت و چه کمیتی وارد زبان فارسی شده و چگونه می توان برای آنها الگوی خاصی ترسیم کرد. به نظر می رسد بیشتر لغات وارد شده به زبان فارسی مربوط به دانش و فناوری اطلاعات و صنعت باشند و در دوران پیش از انقلاب بیشتر واژه های علمی و در دوران جنگ هشت ساله بیشتر واژه های نظامی و پس از جنگ مجدداً واژه های فنی وارد زبان فارسی شده اند.

در مرور پیشینه تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی ایران و نیز نظرات و دیدگاه های زبان شناسان ایرانی و خارجی در مورد قرض گیری زبانی به ویژه واژگانی مورد بررسی قرار می گیرد و در بخش مابانی نظری پس از جمع بندی نظرات زبان شناسان و نیز تحولات اجتماعی، سیاسی ایران، نمودارهایی از شرایط، علل و انواع قرض گیری واژگانی و نیز اهم تحولات اجتماعی، سیاسی که تأثیر گذار بر قرض گیری است ترسیم گردید.

فصل چهارم به بحث در مورد داده های استخراج شده از مجله دانشمند می پردازد که شامل ۶۳۶ واژه قرضی از تعداد ۷۲ جلد مجله در طی سه دهه ۵۰، ۶۰ و ۷۰ است. نمودارهایی مربوط به هر دهه در مورد حجم واژه های قرضی در حوزه های مختلف علوم و نیز اینکه آیا واژه ها دارای معادل فارسی هستند و رواج آنها در جامعه زبانی چگونه است در پایان هر دهه مورد بررسی قرار می گیرد.

در پایان به این نتیجه می رسیم که بیشتر واژه های قرضی مربوط به دانش و فن آوری علمی در حوزه های علوم می باشد و بیشتر آنها بدون برابر فارسی بوده و خلاء واژگانی در زبان فارسی ایجاد کرده اند البته واژگانی را در حوزه های هنر و ادبیات، اقتصاد و سیاست نیز می توان یافت که برای پر کردن خلاء واژگانی وارد زبان فارسی نشده اند و باید اضافه کنیم که انقلاب اسلامی در ورود واژه های قرضی علمی نقشی را نداشته و حوادثی همچون جنگ، باعث افزایش واژه های نظامی شده است.

فصل اول:

کلیات

زبان نهادی اجتماعی است و مانند هر نهاد اجتماعی دیگر تغییر و تحول می یابد. رشد و تکامل زبان در هماهنگی کامل با رشد و تکامل جامعه ی انسانی صورت می پذیرد و تغییراتی که در یک جامعه زبانی در اثر برخورد با جوامع دیگر پدیدار می گردد در واژگان زبان آن جامعه نیز مؤثر واقع می شود.

زبان به عنوان مهمترین وسیله ی ارتباطی و اطلاع رسانی، دائماً در حال تغییر و تحول و پویایی است و قطعاً زبانهای بیشترین تغییرات را داشته اند که دارای پشتوانه ی علمی و فرهنگی سرشاری در تبادل علوم و فنون بوده اند. زبان فارسی به عنوان یکی از زبانهای غنی و کهن دنیا، به لحاظ گستره ی واژگانی و توانایی های ترکیبی و ساختاری مناسب، در ردیف زبانهای مهم دنیا جای دارد و ارزش شایانی در انتقال مفاهیم و معانی بر خوردار است.

همچنانکه رابرت اندرسن هال (۱۳۸۱)^۱ می گوید؛ زبان در خلاء وجود ندارد و زبان در جامعه ی انسانی و به منظور ایجاد ارتباط به کار برده می شود. زبان، بازتاب تاریخ اجتماعی و فرهنگی یک ملت است و شاید بتوان گفت زبان مثل سایه ای حوادث تاریخی و اجتماعی را تعقیب می کند و از آن بهره می جوید. از این نظر تحولات علمی، فرهنگی؛ اجتماعی، مهاجرت ها و جنگها خود برای پر باری زبانی و دگرگونی آن لازم و کافی است.

روابط اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی، نظامی، سیاسی و علمی ایران با کشورهای خارجی به ویژه اروپایی عامل بسیار مهمی در ورود هزاران واژه بیگانه به فهرست واژگان زبان فارسی است و به طور کلی بیشتر واژه های اروپایی که در زبان فارسی وجود دارند در بسیاری از موارد همراه عناصر فرهنگی است و به منظور پر کردن خلایق است که در آن معادل واژگان فارسی برای آن وجود نداشته است مانند لوستر، ولتاژ و ... اسپرت، گیربکس، شاسی و ... با این حال نمونه های را نیز می توان در فهرست واژه های اروپایی در زبان فارسی یافت که اصولاً به منظور پر کردن خلأ واژگانی نبوده و بیشتر به منظور هدفهای شخصی، تظاهر و سهولت در کاربرد و ... به کار رفته و از این راه وارد زبان فارسی شده مانند کلاسیک، زوم، پروژه و ... آن چه مسلم است واژه هایی که از زبانهای بیگانه وارد زبان فارسی شده اند زیر نفوذ دستگاه آوایی زبان فارسی قرار گرفته اند و برای سهولت در تلفظ و ادای کلمات کم و بیش از تلفظ اصلی خود دور شده و بومی زبان فارسی شده اند.

ساده ترین نوع تأثیر یک زبان بر زبان دیگر قرض گیری واژگانی است. هنگامی که قرض گیری فرهنگی در میان باشد، همیشه واژگانی مرتبط با آن پدیده ی فرهنگی نیز قرض گرفته می شوند. هر موج فرهنگی واژگان قرضی خاص خود به همراه خواهد داشت.

۱- Rabert Anderson Hall.

زبان و جامعه پیوسته در تحول و دگرگونی هستند اما گستردگی و سرعت تغییرات و دگرگونی های زبانی و اجتماعی یکسان نیست. به طور کلی تحولات اجتماعی با سرعت بیشتری اتفاق می افتد و تغییرات زبانی کندتر هستند، اما در مجموع در جهت تحولات و دگرگونی های اجتماعی قرار دارند.

انقلاب های اجتماعی، تحولات و پیشرفت های علمی و صنعتی، برخوردهای فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، جنگ ها، مهاجرت و شهرگرایی و ... دگرگونی هایی در جامعه ی انسانی ایجاد می نمایند و تغییراتی را در سازمان های اجتماعی سبب می گردند. تحولات و پیشرفت های علمی و صنعتی در یک جامعه از جمله پدیده های مهمی است که اثرات زبانی گسترده ای دارد.

گسترش روز افزون دامنه ی علوم و صنایع مختلف و پیدایش محصولات و پدیده های مادی، اندیشه ها و نگرش های تازه در برخی از جامعه ها، معمولاً در واژگان زبان آن جامعه ها دگرگونی هائی به وجود می آورد که بیشتر از نوع افزایش واژه ها و اصطلاحات علمی، فنی و همگانی جدید یا گسترش حوزه معنایی برخی از واژه های موجود است. در مراحل بعد همین اصطلاحات تازه به همراه پدیده های مربوط به جوامع دیگر معرفی می گردد و به این ترتیب قلمرو کاربرد آنها گسترش می یابد.

در سطح بین المللی نیز برخوردهای فرهنگی و مناسبات اقتصادی جامعه های زبانی مختلف که به ویژه با پیشرفت های علمی و صنعتی یافته است، مسائل زبانی خاصی را به دنبال دارد. این قبیل برخوردها، معمولاً سبب رد و بدل شدن پدیده های مادی و غیر مادی میان فرهنگ های مختلف می شود و در این حال، طبیعی است که اصطلاحات مربوط به آنها نیز میان زبان های گوناگون رد و بدل گردد. به این ترتیب، در کنار برخوردها و روابط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و علمی میان کشورهای مختلف، برخوردهای زبانی نیز امری طبیعی است که رایج ترین نوع آن به قرض گیری زبانی معروف است (مدرسی، ۱۳۶۸: ۵ و ۹).

(همایون: ۱۳۵۸) در فصل سوم پایان نامه ی خود می نویسد: هر زبانی آینه و نماینده فرهنگ مردمی است که آن را برای بیان فکر خود به کار می برند. گروهی معتقدند زبان با سایر پدیده های فرهنگی چنان پیوند نزدیک دارد که مطالعه ی دقیق هر پدیده فرهنگی بدون مراجعه به نشان های زبانی آن جامعه امکان پذیر نیست پس، از آنجایی که پدیده های فرهنگی در واژگان زبان منعکس می شوند واژگان هر زبان نماینده ی فرهنگ هر جامعه می باشد.

هر جامعه ی زبانی از همسایگان و فرهنگ های دیگر، آنچه نمی داند می آموزد و اشیاء ساخته شده از یک جامعه به یک جامعه دیگر گذر می کند، در نتیجه جوامع در جریان تکامل خود با یکدیگر برخورد کرده و از فرهنگ

همدیگر متأثر می شوند و نوعی پیوند فرهنگی پدید می آید. معمولاً تراوش فرهنگی از فرهنگی که در سطح بالاتری قرار دارد صورت می گیرد پذیرفتن عناصر فرهنگی از جوامع دیگر یک نوع قرض گیری است.

معمول ترین نتیجه برخورد های زبانی که کم و بیش در تمامی زبانهای دنیا به نوعی قابل مشاهده است قرض گیری زبانی نام دارد. زبان شناسان قرض گیری زبانی به انواع واژگانی، واجی و دستوری تقسیم کرده اند که این تقسیم بندی از نظر وقوع آن در مقولات زبانی است قرض گیری در سطح واژگان، رایج ترین نوع قرض گیری است به دلیل آن که واژگان زبان مقوله ای باز است و به آسانی دچار تغییر می گردد (مدرسی، ۱۳۶۸: ۶۴-۵۹).

۲-۱. بیان مسئله :

با توجه به نظر برخی زبان شناسان (صفوی: ۱۳۷۹) که قرض گیری در زبان را به عنوان یک نظام زبانی در نظر می گیرند و با سرعت گرفتن ورود واژگان قرضی به زبان فارسی و متأثر بودن این مسئله از تحولات اجتماعی و تاریخی لازم است که این پدیده به عنوان یک نظام و با توجه به عوامل موثر بر آن مورد بررسی قرار گیرد .

۳-۱. پرسش های پژوهش :

۱. از دهه ۵۰ تاکنون (در هر دهه) چه واژگان قرضی ای و با چه کمیتی وارد زبان فارسی شده اند؟
۲. چگونه می توان برای ورود واژه ای قرضی به زبان فارسی با توجه به تحولات تاریخی و اجتماعی الگوی خاصی ترسیم نمود؟ این الگو چیست؟

۴-۱. فرضیه ها :

۱- به نظر می رسد بیشتر لغات وارد شده به زبان فارسی از دهه پنجاه تا کنون مربوط به دانش و فناوری اطلاعات، علوم نظامی، مخابرات و صنعت باشد. و شاید حجم لغات وارد شده به زبان فارسی در دهه ی ۶۰ به بالاترین حد خود نسبت به دهه های پیش و پس از خود برسد.

۲- در دوران پیش از انقلاب بیشتر واژه های علمی و در دوران جنگ هشت ساله بیشتر واژه های نظامی و پس از جنگ مجدداً واژه های علم و فناوری وارد زبان فارسی شده است.

۵-۱. ضرورت انجام تحقیق :

با توجه به اینکه قرض گیری یک نظام زبانی است با چنین تحقیقی اولاً حوزه های قرض گیری کیفیت و کمیت آنها در زبان مشخص می گردد و ثانیاً این نظام خاص برای واژگان قرضی در فارسی بطور دقیق ترسیم خواهد شد. با استخراج این الگو می توان با توجه به شرایط اجتماعی هر زمان احتمال قرض گیری در حوزه های مختلف را تخمین زد.

۶-۱. روش تحقیق

در این پژوهش از روش نظری یا بررسی داده ها از روی مجموعه ای محدود از جملات علمی دانشمند استفاده شده که داده های استخراج شده بین سالهای ۵۰ تا ۸۰ می باشد. حجم نمونه در حدود ۱۰ درصد از تعداد کل جملات بوده و در حدود ۷۲ جلد را در بر می گیرد که تعداد دو جلد در یک سال را شامل می شود. داده ها بصورت تصادفی استخراج شده اند پس از گردآوری واژه های قرضی لغات به تفکیک هر دهه مرتب شدند و حوزه تخصصی آنها معنای آنها و نیز رایج بودن آنها در جامعه زبانی مشخص گردید، که روی هم ۶۳۶ واژه را در بر می گیرد.

۷-۱. تعریف واژه های کلیدی :

الف: واژه ی قرضی (Loan Word) :

یک واحد زبانی بیگانه که دارای شکل و مفهوم جدید می باشد که از یک زبان یا گویش وارد یک زبان دیگر شده و همراه با واژه بومی آن زبان به کار برده می شود.

ب: انقلاب اسلامی (Islamic Revolution) :

بخش مهمی از تاریخ معاصر ایران است که در سال ۱۳۵۷ خورشیدی به وقوع پیوست و در آن حکومت دو هزار ساله شاهنشاهی با اعتراض مردم و گروه های مختلف سیاسی و با رهبری آیت الله خمینی به پیروزی رسید و از این تاریخ به بعد این انقلاب به نام انقلاب اسلامی در دنیا شناخته شده است.

ج: دوران پیش و پس از انقلاب (Before and after revolution era) :

منظور از پیش و پس از انقلاب در این تحقیق دوره ای از حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی است که هم پیش از انقلاب اسلامی و هم پس از آن به وقوع پیوسته است و مبنای کار قرار گرفته تا مشخص شود در دوره پیش و پس از انقلاب چه حوادث مهمی باعث شده تا واژه های قرضی به زبان فارسی وارد شود. محدوده ی زمانی انتخاب شده در این پایان نامه به این ترتیب است که از دهه ی ۴۰ تا وقوع انقلاب اسلامی را دوره ی پیش از انقلاب و از سال ۵۸ تا سال ۱۳۸۰ را دوره ی پس از انقلاب اسلامی می نامیم.

فصل دوم:

مروری بر پیشینه مطالعات

۲-۱. وضعیت اجتماعی-سیاسی ایران پیش از انقلاب اسلامی

همچنانکه زبان شناسان اعتقاد دارند تحولات تاریخی، اجتماعی و سیاسی در یک کشور تحولات و دگرگونی زبانی را با خود به دنبال دارد، مجموعه واژگانی که در طی تاریخ و در زبان ملتی وجود داشته و به کار رفته است در حکم فهرست حوادث و شیوه زندگی و تمدن و اندیشه و آرزوهای آن ملت شمرده شود (خانلری، ۱۳۷۳: ۹۸).

ایران از دیرباز محل برخورد فرهنگ‌ها، تمدن و دولت‌های گوناگون بوده است. تاریخ معاصر ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی و پس از آن تاریخی دردناکی دارد. در این پایان‌نامه تحولات اجتماعی، اقتصادی، نظامی و سیاسی ایران را از دهه چهل تا دهه هشتاد به صورت کوتاه مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در دهه‌های چهل و پنجاه رژیم محمدرضا شاه پهلوی دست به اجرای پروژه‌ی توسعه گسترده‌ای زد که در نهایت منجر به توسعه‌ی نامتوازن حوزه‌های اقتصاد و سیاست یعنی نوسازی اولی بدون تغییر ماهیت دومی منجر شد. این امر موجب شد شکافی میان نیروهای مولد تولید رو به رشد ایران و اقدامات نهادسازی رژیم پدید آید (میلانی، ۱۳۸۳: ۱۲۳).

اولین برنامه‌ی عمده‌ی نوسازی شاه، طرح هفت ساله نخست توسعه بود که عمدتاً به گسترش کشاورزی، حمل و نقل و ارتباطات توجه داشت. اما مشکلات اقتصادی ناشی از منازعه‌ی ملی شدن صنعت نفت در اوایل دهه ۳۰ مانع از تحقیق اعظم اهداف طرح مذکور گردید. طرح هفت ساله‌ی دوم توسعه نیز بر نوسازی برخی کارخانجات قدیمی، ایجاد کارخانجات و سدهای جدید و گسترش سیستم‌های ارتباطی و حمل و نقل متمرکز بود. در طرح‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه که طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به اجرا درآمد دولت بر صنعتی سازی کشور در راستای جایگزینی واردات سرمایه‌گذاری کرد. برنامه مذکور نیز عمدتاً بر محور تکنولوژی غربی و مهارت‌های مدیریتی استوار بود این استراتژی موجب توسعه اقتصادی، توزیع نامتوازن ثروت و افزایش تحرک اجتماعی، تحول عمیق ساختار طبقاتی و افول بخش کشاورزی و به عبارتی ایجاد تغییر شکل کامل در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران شد (همان: ۱۲۴ و ۱۲۵).

توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی، بیشتر به واسطه درآمد روزافزون نفت عملی شد. میزان درآمد نفت که در سال ۱۳۴۲، ۵۵۵ میلیون دلار بود در سال ۱۳۴۷ به ۹۵۸ میلیون پس از چهار برابر شدن قیمت نفت در بازارهای جهانی، در سال ۱۳۵۵ به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسید. در سال‌های بین ۵۳-۱۳۴۳ کل درآمدهای نفتی به ۱۳ میلیارد دلار و از ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۶ به ۳۸ میلیارد دلار رسید در برنامه‌های سوم و چهارم بیش از ۳/۹ میلیارد دلار صرف امور زیربنایی شد (آبراهامیان، ۱۳۸۰: ۵۲۵).

بین سالهای ۵۶-۱۳۴۲ سدهای بزرگی در دزفول، کرج و منجیل ساخته شد که در نتیجه ی آن تولید برق از نیم میلیارد به ۱۵/۵ میلیارد کیلو وات ساعت افزایش یافت. با توسعه ی بنادر، حجم واردات ۴۰۰ درصد افزایش یافت. بندر انزلی، بندر شاهپور، بوشهر و خرمشهر نوسازی و کار احداث بندری جدید در چاه بهار آغاز شد. بیش از ۸۰۰ کیلو متر راه آهن ریل گذاری شد. اتصال تهران به اصفهان، تبریز، مشهد، دریای خزر و خلیج فارس تحقق یافت. همچنین، بیش از ۲۰۰۰۰ کیلو متر راه ساخته شد و تا اواسط دهه ی ۱۳۵۰، راههای آسفالت، شهرهای بزرگ را به هم متصل کرد و جاده های مناسب درجه ی دو، روستاهای بزرگتر را به بازارهای شهری محلی پیوند داد. در این سالها، رسانه های گروهی نیز رشد چشمگیری داشت. شمار رادیو از ۲ به چهار میلیون، تلویزیون از ۱۲۰۰۰۰ به ۱۷۰۰۰۰۰ دستگاه و شماره بلیط های فروخته شده ی سینماها از ۲۰ به ۱۱۰ میلیون رسید (همان: ۵۲۶).

برنامه های عمرانی تأثیر بیشتری بر جمعیت شهرنشین داشت. در برنامه های دوم و سوم با تخصیص بیش از ۲/۵ میلیارد دلار به صنعت، دو هدف بلند پروازانه دنبال می شد: تولید کالاهای مصرفی مورد نیاز بازار داخلی مانند لباس، مواد غذایی، نوشابه، رادیو، تلفن و خودرو و تشویق رشد صنایع مادر و واسطه ای به ویژه نفت، گاز، زغال سنگ، مس، فولاد، پتروشیمی، آلومینیوم و ابزارهای ماشینی. بنابراین، ایران به دنبال سرمایه گذاری های دولتی هنگفت، در سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۵ شاهد انقلاب صنعتی کوچکی بود (همان: ۵۲۸).

در برنامه های سوم و چهارم توسعه ۱/۹ میلیارد دلار هم به بخش منابع انسانی تخصیص داده شد. در نتیجه، شمار تخت بیمارستانی از ۱۲۶،۲۴ به ۴۸۰،۰۰۰؛ درمانگاههای بهداشتی از ۷۰۰ به ۲۸۰۰ واحد؛ شمار پرستاران از ۱۹۶۵ به ۴۱۰۵ نفر و شمار پزشکان از ۴۵۰۰ به ۱۲/۷۵۰ نفر افزایش یافت. این پیشرفت ها در کنار از بین بردن قحطی ها و بیماری های واگیر دار، نرخ مرگ و میر کودکان را کاهش داد، شمار کودکان را بالا برد و جمعیت ۲۵۸۴۰۰۰۰ نفری سال ۱۳۴۵ را در سال ۱۳۵۵ به ۳۳۲۹۱۰۰۰ نفر رساند (همان: ۵۲۹).

این طرحهای توسعه چنان کمبودی در زمینه ی کارکنان آموزش دیده به وجود آمد که دولت همواره تکنسین های خارجی را به خدمت می گرفت و زنان را به کار در حوزه های خدماتی و عمومی به ویژه آموزشی و پرستاری تشویق می کرد. بنابراین، شمار تکنسین های خارجی به ویژه آمریکایی و اروپایی از کمتر از ۱۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۶۰۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۶ رسید. همچنین، شمار بانوان مشغول به تحصیل در مراکز عالی از کمتر از ۵۰۰۰ نفر در سال ۱۳۴۵ به بیش از ۷۴۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت (همان: ۵۳۳).

در سال ۱۳۴۵، تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در مؤسسات آموزشی عالی در حدود ۵۲۲۹۴ نفر بود و درست یک دهه بعد، این تعداد هشت برابر شد و به ۴۳۷۰۸۹ نفر رسید. به رغم موفقیت های چشمگیر آموزشی، مؤسسات

آموزشی عالی قادر به تأمین کافی افراد متخصص و حرفه ای مورد نیاز کشور نبودند در نتیجه، ایران دست به دامان کمک غرب شد و در سال ۱۹۷۸ حدود ۶۷۰۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل، راهی کشورهای غربی شدند که در این میان ۵۴۳۴۰ نفر به آمریکا، ۴۴۴۵ نفر به جمهوری فدرال آلمان و ۴۳۳۶ نفر به بریتانیا رفتند هر چه روند تحرک اجتماعی سریعتر باشد به همان میزان شانس بروز تنش های سیاسی نیز افزایش می یابد. (میلانی، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

در دهه های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ایران نوعی تحرک اجتماعی سریع را تجربه کرد که طی آن هنجارها و معیارهای پذیرفته شده ی اجتماع، در اثر تماس بخش اعظم جمعیت کشور با ایده ها و روش های نوین زندگی، پیوسته مورد چالش واقع شد. اجرای بیش از دو دهه از مدرنیزاسیون دولتی طی سالهای ۳۲-۵۵ ساختار جمعیت ایران را به گونه ای اساسی متحول کرد. در اوایل دهه ۱۳۳۰ بخش عمده جمعیت کوچک کشور، روستائین و بی سواد بودند، در حالی که در سال ۱۳۵۸ بخش اعظم جمعیت شهرنشین و باسواد شده بودند (همان: ۱۳۵).

جمعیت ایران در سال ۱۳۵۵ با برخورداری از آهنگ رشد ۲/۳ درصدی خود در دهه ۱۳۵۰، به ۳۳/۷ میلیون نفر رسید. میانگین سنی جمعیت کشور نیز ۱۶/۹ سال بود و متجاوز از ۱۸/۶ میلیون نفر (۵۵/۳ درصد کل جمعیت) از جمعیت کشور، کمتر از بیست سال سن داشتند. رشد جمعیت کشور با آهنگ سریع شهرنشینی و نشو و نمای کلان شهرها همراه بود (همان جا).

محمدرضا شاه طرح شش ماده ای جنجالی معروف به انقلاب سفید را اعلام کرد. این طرح شش ماده ای، افزون بر تقسیم اراضی، ملی کردن جنگل ها، فروش کارخانه های دولتی به سرمایه گذاران خصوصی، فروش سهام کارخانه ها به کارگران، اعطای حق رأی به زنان و ایجاد سپاه دانش را در بر می گرفت. شاه برای مشروعیت بخشیدن به انقلاب همه پرسى برگزار کرد. بر اساس گزارشهای دولت، در بهمن ماه ۱۳۴۱، ۹۹/۹ درصد رأی دهندگان این طرح شش ماده ای را تأیید کردند. بهبودگی این تلاشها در خرداد ۱۳۴۲ (اوایل ماه محرم) که هزاران تن از مغازه داران، روحانیون، کارمندان، آموزگاران، دانش آموزان و دانشجویان، کارگران مزد بگیر و بیکار علیه شاه به خیابانها ریختند، آشکار شد فراخوانی مردم به راهپیمایی علیه شاه، توسط اصناف، بازاریان، جبهه ی ملی و مهمتر از همه چهره ی مخالف جدیدی به نام آیت الله روح الله خمینی انجام گرفت (آبراهامیان: ۵۲۲).

شاه هر چند ساختار اجتماعی- اقتصادی را نوسازی کرد، برای توسعه ی نظام سیاسی- اجزای شکل گیری گروههای فشار، ایجاد فضای باز سیاسی برای نیروهای مختلف اجتماعی، ایجاد پیوند میان رژیم و طبقات جدید، حفظ حلقه های ارتباطی موجود میان رژیم و طبقات قدیمی و گسترش پایگاه اجتماعی سلطنت که عمدتاً به علت کودتای نظامی سال ۱۳۳۲ همچنان پا برجا مانده بود- تلاش چندانی نکرد.

شاه، همچنان نظامیان را پشتیبان اصلی خود می دانست. وی شمار نفرات نظامی را به ترتیب زیر از ۲۰۰,۰۰۰ نفر سال ۱۳۴۲ به ۴۱۰,۰۰۰ نفر در سال ۱۳۵۶ افزایش داد: نیروی زمینی ارتش از ۱۸۰,۰۰۰ به ۲۰۰,۰۰۰ نفر ژاندارمری از ۲۵,۰۰۰ به ۶۰,۰۰۰ نفر؛ نیروی هوایی از ۷,۵۰۰ به ۱۰۰,۰۰۰ نفر؛ نیروی دریایی از ۲,۰۰۰ به ۲۵,۰۰۰ نفر؛ واحد کماندوهای ویژه از ۲,۰۰۰ به ۱۷,۰۰۰ نفر و گارد شاهنشاهی از ۲,۰۰۰ به ۸,۰۰۰ نفر افزایش یافت. همچنین، بودجه ی سالانه ی ارتش را از ۲۹۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ به ۱/۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۲ و پس از چهار برابر شدن قیمت نفت، به ۷/۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۵۵، رساند.

شاه با خرید تسلیحاتی به ارزش بیش از ۱۲ میلیارد دلار از کشورهای غربی در سالهای ۱۳۵۰-۱۳۵۶، زرادخانه ی عظیمی ایجاد کرد که افزون بر دیگر سلاحها، ۲ هواپیمای جنگنده ی تامک اف ۱۴ دارای موشکهای دوربرد فونیکس، ۱۹۰ هواپیمای فانتوم اف ۴، ۱۶۶ جنگنده ی اف ۵، ۱۰ هواپیمای حمل و نقل بوئینگ ۷۰۷، ۸۰۰ هلیکوپتر، ۲۸ هاور کرافت، ۷۶۰ تانک چیفتین، ۲۵۰ تانک اسکورپین، ۴۰۰ تانک ام ۴۷، ۴۶۰ تانک ام ۶۰ و یک ناوشکن اسپرونس در اختیار داشت. ایران، در سال ۱۳۵۵، بزرگترین نیروی دریایی خلیج فارس، پیشرفته ترین نیروی هوایی خاورمیانه و پنجمین نیروی بزرگ نظامی جهان را در اختیار داشت (همان: ۵۳۵).

شاه در دهه ی نخست، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، قدرت خود را تثبیت کرد و رهبران کودتا را به مناصب کلیدی گمارد. جان اف کندی در سال ۱۳۳۹ به ریاست جمهوری امریکا رسید اغلب ایرانیان فکر می کردند که کندی لیبرال منعقد استبداد شاه بوده و از انجام اصلاحات واقعی در ایران طرفداری خواهد کرد. با فشار دولت امریکا، علی امینی از افراد مورد نظر امریکا برای انجام اصلاحات به نخست وزیری انتخاب شد (همان: ۵۱۵-۵۲۰).

در سال ۵۳ شاه با از بین بردن دو حزب ایران نوین و مردم، حزب رستاخیز را پایه گذاری کرد که گروهی از آنان تحصیل کردگان جوان از دانشگاههای امریکایی بودند. در سال ۵۵ دولت تقویم ایران را به ۲۵۳۵ شاهنشاهی تغییر داد. تغییر تقویم و تشکیل حزب رستاخیز واکنش تند علما را بدنبال داشت. این حزب به زنان اجازه می داد همچون زنان غربی لباس بپوشند. مجلس بدون توجه به شریعت سن ازدواج دختران را از ۱۵ به ۱۸ و پسران را از ۱۸ به ۲۰ افزایش داد همچنین وزارت دادگستری به قضات دستور داد تا در اجرای قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۴۶ که اعمال قدرت مردان بر همسران خود را محدود کرد، زنان می توانند بدون اجازه شوهرانشان در بیرون از خانه کار کنند، زنان حق طلاق را دارا بودند (همان: ۵۴۷-۵۴۲).

در سال ۵۵ جیمی کارتر به ریاست جمهوری آمریکا می رسد و چون او یک دموکرات بود در نتیجه فضای باز سیاسی و دفاع از حقوق بشر از اولویت های کاری او به شمار می روند و به همین خاطر شاه نسبت به فشارهای خارجی

واکنش نشان می دهد. کاهش نظارت های پلیس در آخرهای سال ۵۵ آغاز شد و رژیم در بهمن ماه چندین زندانی سیاسی را آزاد کرد.

از آغاز ۵۶ تا پیروزی انقلاب چندین نخست وزیر جابجا شدند که آخرین آنها دکتر بختیار بود دگرگونی های اقتصادی- اجتماعی عمده در دوران پیش از انقلاب از این قرار است، توسعه روند شهرنشینی و صنعتی شدن، گسترش نظامهای آموزشی و ارتباطی، ایجاد دولت دیوان سالار متمرکز، بهبود جایگاه و موقعیت طبقات جدید و به ویژه روشنفکر، کاهش اهمیت و شمار طبقات سنتی و نیروهای مذهبی، سرانجام آیت الله خمینی در ۱۲ بهمن ۵۷ پس از چند سال دوری از کشور به ایران بازگشتند که کمی بیش از آن در ۲۶ دی شاه به قصد معالجه و استراحت کشور را ترک کرده بود و در نهایت در ۲۲ بهمن رادیو با اعلام صدای انقلاب، طرفداران انقلاب را به وجد آورد (همان: ۶۵۲-۶۴۶).

۲-۲. وضعیت اجتماعی- سیاسی دوران پس از انقلاب اسلامی

مهندس بازرگان با پیشنهاد شورای انقلاب به عنوان نخست وزیر دولت موقت انتخاب شد. مجلس خبرگان در مرداد ۵۸ تشکیل شد. با جدی شدن تصویب اصل مربوط به ولایت فقیه مخالفت ما با مجلس خبرگان بیشتر شد اما آیت الله خمینی و طرفدارانش به دفاع از اصل یاد شده پرداختند. به تدریج بین دولت موقت و یاران آیت الله خمینی فاصله ایجاد شد. اختلافات و آشوب های داخلی کشور را فرا گرفته بود و گروههای سیاسی زیادی بوجود آمده بودند که خواهان تغییر در شورای انقلاب بودند در آشوب های ایجاد شده در بخش هایی از کشور به جزء عوامل سیاسی و دولت های خارجی، تنوع زبانی و مذهبی نیز نقش بسیار مهمی را ایفا می کرد (میلانی، ۱۳۸۳: ۲۶۲ و ۳۰۲).

در سیزده آبان ۵۸ سفارتخانه آمریکا از سوی گروهی از دانشجویان اشغال شد و کارکنان آن گروگان گرفته شدند با این اقدام، دولت موقت که بیشتر اعضای آن را جبهه ملی و نهضت آزادی تشکیل می دادند استعفا داد و اداره امور کشور به شورای انقلاب که بیشتر آنها روحانی بودند سپرده شد.

در سال ۱۳۵۹ یعنی چند ماه پس از آغاز بحران گروگانگیری، ابوالحسن بنی صدر به عنوان اولین رئیس جمهوری ایران انتخاب شد ریاست جمهوری وی تحت الشعاع ماجرای گروگانگیری تهاجم عراق به ایران در رقابت شدید وی با بنیادگرایان قرار گرفت بنی صدر خویشتن را ضعیف و در محاصره ی نیروهای مخالف یافت. بر خلاف بازرگان که رویه های انفعالی در برخورد با بنیادگرایان پیشه کرد، بنی صدر با اتکا به آرای مردم با دست زدن به اقدامات متهورانه و تهاجمی در صدد شکست آنها برآمد نتیجه آن شد که بنی صدر با اجبار از طریق قانونی، از سوی بنیادگرایان برکنار شد (همان: ۳۱۰-۳۱۱).

از آنجا که اسلام شامل دستوراتی است که تمام اعمال آدمی از مرگ تا تولد را در بر می گیرد بنیادگرایان مجدانه کوشیدند تا این احکام الهی را پیاده کنند. بازشناسی قوانین اسلامی عمده ترین پایه ی اسلامی سازی بود که از بحران گروگان ها شروع شد و پیش از مرگ آیت الله خمینی در ۱۳۶۸ به اوج خود رسید. مجموعه ای از قوانین اسلامی نوین زیربنای نظام حقوقی جدید قرار گرفت، قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۴۶ که به زنان اجازه می داد تا تحت شرایط خاص در خواست طلاق کنند غیر قانونی و تعدد زوجات قانونی اعلام شد (همان: ۳۵۸).

اثرات اسلامی سازی بر نظام آموزشی نیز مهم و چشمگیر بوده است، برنامه متحول سازی جوهره نظام آموزشی با راه اندازی انقلاب فرهنگی آغاز شد دانشگاههای برای پاکسازی عناصر غیراسلامی برای مدتی نامعلوم تعطیل شد تحت عنوان انقلاب فرهنگی، فلسفه جدیدی از تدریس و مقررات نوینی از رفتار معرفی شد. انجمن های اسلامی در مدارس راه اندازی شد، متون درسی مورد اصطلاحات و بازنگری قرار گرفت دروسی از قبیل تاریخ اسلام، انقلاب اسلامی در تمام سطوح اجباری شد، شرایط پذیرش دانشجو دیگر کسب رتبه ی علمی ممتاز نبود بلکه احراز پایبندی اعتقادی به انقلاب اسلامی بود.

کیفیت آموزشی روی هم رفته به موازات بازنشستگی اجباری بسیاری از معلمان قدیمی رو به وخامت نهاد. اجباری کردن حجاب تعطیلی دیسکوها و مشروب فروشی ها منع آواز توسط زنان، سانسور فیلم های غربی برای تماشا در تلویزیون و ... نیز از اقدامات دیگر روحانیون در دهه ۶۰ بوده است (همان: ۳۶۰).

با رخداد انقلاب اسلامی روابط تهران- بغداد دستخوش وخامت فزاینده شد و دو طرف همدیگر را به داشتن مقاصد نامطلوب متهم کردند. این تنها عراق نبود که احساس آسیب پذیری می کرد ایده ی بنیادگرایی شیعی پایه های دیگر دولت های عربی حوزه خلیج فارس را هم تکان داد. ترس مشترک تمامی حکومت های حوزه خلیج فارس از اینکه انقلاب اسلامی ثبات منطقه را برهم زند صدام حسین رئیس جمهوری عراق را در موضع خصمانه تری نسبت به ایران قرار داد. او سرانجام در شهریور ۵۹ طی یک سخنرانی در تلویزیون ملی این کشور به طور یک جانبه پیمان ۱۹۷۵ الجزایر را لغو کرد و آن را در آتش سوزاند، درست عراق چند روز پس از آن در ۳۱ شهریور ۵۹ در بجنوبه بحران گروگانها خاک ایران را مورد تجاوز قرار داد.

هدف اصلی صدام این بود که با رقم زدن یک شکست قاطعانه و سریع بر ایران همانند شاه دهه ۵۰ به قدرت برتر خلیج فارس تبدیل شود. اما بسیاری از محاسبات صدام اشتباه از آب درآمد و درست به همین خاطر وی نتوانست به هیچ یک از اهداف خود نایل آید. پس از هشت سال نبرد سر انجام جنگ در وضعیتی برابر و با برجا نهادن ویرانی اقتصادی و کشته شدن افراد بسیاری از طرفین پایان پذیرفت (همان: ۳۶۷-۳۶۹).

ایران در تیر ۶۸، قطعنامه ی شورای امنیت سازمان ملل (درباره ی جنگ ایران و عراق) را پذیرفت و بدین گونه جنگ هشت ساله پایان یافت در همان سال ۶۸ آیت الله خمینی در گذشت از زمان فوت آیت الله خمینی جناح عملگرا ابتکار کار را در عرصه ی سیاست ایران پس از انقلاب به دست گرفت و مجلس خبرگان رهبری، رهبر جدید را انتخاب کرد. هنگام در گذشت آیت الله خمینی انقلاب اسلامی مرحله تثبیت را پشت سر گذاشته و وارد مرحله میانه روی شده بود در آن مرحله باز سازی کشور جنگ زده در دستور کار قرار گرفت. از آن پس کشور ما وارد مرحله ای تازه با معاملات و مناسباتی تازه شد (همان ۳۸۹-۳۹۹).

پدیده های جهانی تکان دهنده ی انتهای قرن بیستم نظیر: فروپاشی نظام کمونیستی شوروی سابق برخی ممالک بلوک شرق، ظهور ایده ای «نظم نوین جهانی» و گرایش به نظام تک قطبی، گسترش حیرت آور مدرنیته در جهان و به تبع آن، گسترش فن آوری های مدرن ارتباطی و اطلاعاتی، تبادل فرهنگی، تجارت آزاد جهانی، کم رنگ شدن مرزهای جغرافیایی و ...، به ایجاد گفتمان های تازه ای در اغلب حوزه ها: سیاست، جامعه، اقتصاد، فرهنگ، هنر، و ... یاری رساندند. در ایران، همزمان با آغاز دوران موسوم به سازندگی (از ۱۳۶۸ به بعد) و خصوصاً شوک ناشی از پایان جنگ، تفکر مدرنیته و تبع آن، جریان مدرنیزاسیون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، شور و شتاب بیشتری یافت (روزبه، ۱۳۸۱: ۱۹-۳۱۸).

اقتصاد ایران در طول دو سال نخست انقلاب اسلامی، اساساً مورد غفلت واقع شد؛ چرا که نیروهای قدرتمند به رقابت برای کسب سلطه ی سیاسی پرداختند و مجموعه ی دستگاه سیاست توجه خود را به بحران گروگانگیری معطوف کرد. در این دوره از هرج و مرج اقتصادی، اقتصاد ایران نخستین رکود خود را تجربه کرد. نخستین تلاش جدی جمهوری اسلامی برای سر و سامان بخشیدن به وضعیت اقتصاد و تغییر روند قهقرایی آن، با تصویب برنامه نخست توسعه ی دولت در ۱۹۸۳ آغاز شد که توسط نخست وزیر موسوی و در بجنوبه ی جنگ عراق و ایران ارائه گردید. مفاد اصلی استراتژی توسعه ی دولتی وی عبارت بود از: ملی سازی صنایع عمده و بانک ها، کنترل قیمت برخی اقلام، پرداخت یارانه های گزاف و سیاست تجاری محدود. طرح توسعه ی نخست وی، مشتمل بر برخی موارد عام پسند و در عین حال غیر از قبیل خودکفا کردن ایران، حل معضل بیکاری و فراهم ساختن خدمات رفاهی اجتماعی ضروری برای مردم بود متأسفانه، بسیاری از اهداف مورد نظر در برنامه ی نخست توسعه، نه بر اساس ارزیابی های واقعی از توانایی های اقتصادی ایران و بلکه بر مبنای ملاحظات ایدئولوژیکی استوار بود (میلانی، ۱۳۸۰: ۳۶۴-۳۶۳).

در حقیقت، ایران در سال ۱۹۸۴ به ورطه ی رکورد فرو غلتید که تنها پس از آتش بس با عراق در سال ۱۹۸۸ توانست اندک اندک خود را از آن بیرون کشد. استاندارد زندگی اغلب ایرانیان در طول دهه ی نخست انقلاب، پایین تر از